

## الزامات قرآنی تحقق تمدن نوین اسلامی

### دراندیشه مقام معظم رهبری

طاهره محسنی<sup>۱</sup>

#### چکیده

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) توانست تحولی بنیادین در ساختار سیاسی جامعه به وجود آورد؛ به گونه‌ای که با ساختارشکنی و برهم زدن معادلات جهانی و زدودن سیطره غرب و تفکرات مادی و الحادی، برضد جمود مسلمانان شوریده، گرد و غبار اسلام را زدوده، و آن را از اسلام قشری و به دور از صحنه و سیاست؛ به اسلامی اصیل، تحول‌آفرین و یاور مردم به خصوص محرومان مبدل سازد. ایشان با نگرشی مثبت به دین و با ارائه تفسیری نوین، توانست ارزش‌های دینی را احیا، و بار دیگر دین را به عرصه زندگی مدنی انسان‌ها بازگردانده و اسلام را محور اساسی ساختارهای زندگی اجتماعی قرار دهد و تمدن نوین اسلامی را بر پایه آن بنا کند. در ادامه چنین تحولی؛ مقام معظم رهبری، با مطرح نمودن قدرت تمدن‌سازی دین اسلام و با ارائه بایسته‌هایی برای توسعه انقلاب نوپای اسلامی، نظریه جدید «تمدن نوین اسلامی» را مطرح نمودند. تبیین تحلیلی- توصیفی مبانی و الزامات تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری موجب دستیابی به الگویی برتر و فراگیر برای دنیای معاصر خواهد شد.

**کلیدواژه‌گان:** الزامات قرآنی، تمدن نوین اسلامی، مقام معظم رهبری

۱. دکترای تفسیر تطبیقی-استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع)- پردیس خاوران [t.mohseni@isu.ac.ir](mailto:t.mohseni@isu.ac.ir)

## ۱. مقدمه

تمدن اسلامی با بعثت پیامبر (ص) شروع شد و با دستاوردهای مختلفی که در زمینه‌های گوناگون به دست آورد، توانست جایگاه والایی به خود اختصاص دهد، اما به مرور زمان و با گذشت چندین قرن دچار رکود شد. آنچه تمدن اسلامی را به پیشرفت رساند همان تسامح، تساهل و توجه به تمام جنبه‌های مادی و معنوی بشر بود که به مرور زمان رنگ باخت و ضربه بزرگی بر پیکره تمدن اسلامی وارد ساخت. توجه به ابعاد انسانی و الهی زندگانی انسان‌ها در دنیای امروز از جایگاه برجسته‌ای برخوردار نیست و این امر هم ناشی از دیدگاهی است که آن‌ها نسبت به این جهان و انسان دارند. بنابراین نیازهای حقیقی انسان مانند سعادت، امنیت و آرامش روانی و معنوی حلقه‌های مفقود در زندگی انسان‌هایی است که در دنیای امروز به سر می‌برند. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) توانست خیزشی عظیم و تحولی بنیادین در ساختار سیاسی جامعه به وجود آورد. ایشان با مبارزه همه جانبه با فرهنگ سکولار غربی و ایجاد تحولی بنیادین در فضای تیره‌ی حاکم بر جهان و با جایگزینی جهان بینی الهی در مقابل جهان بینی مادی و با احیای آموزه‌های اصیل اسلامی و تکیه بر توحید و خداپاوری و نگاه موحدانه به جهان، توانستند بنیادهای تمدنی نوین را معماری نمایند که هدف اصلی آن رسیدن انسان به سعادت و قرب الهی است. ایشان با نگرشی مثبت به دین و با ارائه‌ی تفسیری نوین از آن توانستند ارزش‌های دینی را احیا نموده و بار دیگر دین را به عرصه‌ی زندگی مدنی انسان‌ها بازگردانده و اسلام را محور اساسی ساختارهای زندگی اجتماعی قرار دادند و تمدن نوین اسلامی را بر پایه آن بنا نمودند.

میشل فوکو، فیلسوف پست مدرن فرانسوی به نکته‌ای اشاره دارد که به طور دقیق نشان دهنده متفاوت بودن خاستگاه انقلاب اسلامی و قدرت نرم آن از انقلاب‌ها و قدرت نرم غربی آن است: «من قبول دارم که از قرن هجدهم به بعد هر تحول اجتماعی اتفاق افتاده است بسط مدرنیته بوده، اما انقلاب ایران تنها حرکت اجتماعی است که در برابر مدرنیته قرار دارد». (حاجتی، ۱۳۸۱، ۴۱). در ادامه چنین تحولی؛ مقام معظم رهبری با مطرح نمودن الزاماتی برای توسعه تمدن اسلامی، نظریه جدید «تمدن نوین اسلامی» را مطرح کرده‌اند. تمدن نوینی که در سایه آن، همه نیازهای مادی و معنوی انسان برآورده شود و این تمدن چیزی جز تمدن عظیم، منحصر به فرد و توحیدی اسلام نیست. که این امر نشانگر ضرورت احیای چنین تمدن باشکوهی است.

## ۲. معناشناسی واژه تمدن

قبل از ورود به بحث پیرامون الزامات تمدن نوین اسلامی، لازم است تا به معناشناسی مفهوم تمدن بپردازیم:

تمدن در لغت، چنین تعریف شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» (عمید، ۱۳۸۹، ۵۳۰) در اصطلاح نیز تمدن عبارت است از؛ برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعدادهای سازنده آن‌ها باشد. (جعفری، ۱۳۷۳، ۲۳۳)

به عبارت دیگر، تمدن عبارت است از؛ تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه‌ی ابعاد مثبت. (همان، ج ۵، ۱۶۱) مسلمانان به گونه‌ای چشمگیر به سوی هویت اسلامی می‌روند و تاکید دارند اسلام تنها راه حل آن است. احیای اسلامی، تلاشی برای یافتن راه حل، نه در ایدئولوژی غربی، بلکه در اسلام مدرن است که فرهنگ غربی را رد می‌کند و تعهد به اسلام را راهنمای زندگی در جهان مدرن می‌داند. (هانتینگتون، بی تا، ۹۹-۹۸).

بنابراین؛ تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸، ۵۲-۵۱).

مقام معظم رهبری، تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲) بنابراین؛ تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند.

### ۳. مراحل شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

رهبر معظم انقلاب، رسیدن به یک پیشرفت همه‌جانبه و ایجاد یک تمدن نوین اسلامی را هدف انقلاب اسلامی و ملت ایران می‌دانند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). به اعتقاد ایشان؛ «امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹) رهبر انقلاب اسلامی فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را، در پنج مرحله اساسی مطرح نموده‌اند. بنا بر فرمایشات ایشان، ایجاد تمدن نوین اسلامی، فرآیندی است سلسله‌وار که حلقه‌ی اول آن، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی، بعد تشکیل دولت اسلامی، بعد تشکیل جامعه اسلامی و نهایتاً تشکیل امت اسلامی است. این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط می‌باشد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

#### ۳-۱. مرحله اول، انقلاب اسلامی

به اعتقاد مقام معظم رهبری، برای این که تمدن نوین اسلامی تحقق پیدا کند؛ در درجه‌ی اول، ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای این که بنای ضایع و پوسیده و کج و بد بنیان رژیم‌های استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد. (مقام معظم رهبری، ۸۴/۵/۲۸) پیروزی انقلاب و تحولات سیاسی در کشور، نقطه آغاز حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. در این انقلاب، «هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴۹/۰۵/۲۸)

#### ۳-۲. مرحله دوم، تشکیل نظام اسلامی

انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی. (مقام معظم رهبری، ۷۹/۹/۱۲) بعد از آن که این حرکت عظیم را ملت عزیز ما انجام داد، حرکت بعدی این بود که یک نظام اسلامی؛ یعنی ترتیب اداره ی کشور، همان‌طوری که اسلام گفته است- در این کشور به وجود بیاورید. این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. قانون اساسی تنظیم شد؛ آرایش و چینش سیاسی به وجود آمد؛

مردم‌سالاری دینی بر این مملکت حاکم شد و مردم مسؤولان کشور را- از رهبری گرفته تا ریاست جمهوری تا دیگر مسؤولان- مستقیم یا غیر مستقیم انتخاب می‌کنند. دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در این کشور است. حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان‌های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است؛ این تحقق پیدا کرد؛ لیکن کافی نیست. (مقام معظم رهبری، ۸۴/۵/۲۸).

### ۳-۳. مرحله سوم، تشکیل دولت اسلامی

بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان- یعنی ماها- به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسؤولان و دولت‌مردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی- اگر هستند- سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. (مقام معظم رهبری، ۸۰/۹/۲۱) ما مسؤولان باید خود را بسازیم؛ مرتب با خود کلنجار برویم؛ یکدیگر را به حق وصیت کنیم؛ یکدیگر را ارشاد کنیم؛ مثل آینه‌ای در مقابل یکدیگر، عیوبمان را صادقانه به هم نشان دهیم؛ بنا را بر رفع عیب بگذاریم و خود را روزبه‌روز بهتر کنیم. هر کس هم که جدیداً مسئولیت را بر عهده می‌گیرد، با این نیت و با این هدف مسئولیت را قبول کند که می‌خواهد برای خدمت به مردم، یک انسان صالح شود. آن‌وقت می‌شود تشکیل دولت اسلامی. قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسؤولان گوناگون ما باید بتوانند تا حدّ قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله‌ی سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته‌ایم و باید دائم تلاش ما این باشد. (مقام معظم رهبری، ۸۰/۹/۲۱)

### ۳-۴. مرحله چهارم، تشکیل کشور اسلامی

مرحله‌ی بعد، تشکیل کشور اسلامی است. کشور اسلامی؛ یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها، و اسلام هدایت‌کننده‌ی انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند. سیطره و تسلط علمی به دنبال خود، عزت سیاسی هم می‌آورد؛ رفاه اقتصادی هم

می‌آورد؛ فضایل اخلاقی هم می‌آورد؛ اگر کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی شود. (مقام معظم رهبری، ۸۴/۵/۲۸)

### ۳-۵. مرحله پنجم، تشکیل امت اسلامی

از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، امت اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید. (مقام معظم رهبری، ۷۹/۹/۱۲) وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت، فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. (مقام معظم رهبری، ۸۰/۹/۲۱)

### ۴. الزامات تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری

برای رسیدن به پیشرفت همه جانبه و پیمودن مراحل پنج‌گانه برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، نیازمند رعایت یک سری مبانی و الزاماتی هستیم که با سرلوحه قرار دادن آن‌ها می‌توانیم با ثبات قدم بیشتری این مسیر پر فراز و نشیب را طی کنیم.

الزامات تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و به عبارتی ادامه‌ی راه آن حضرت و توسعه و تکامل آن است. چنانچه ایشان تصریح نمودند: «راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۱۴) الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری عبارت است از:

**قرآن‌مداری:** قرآن و قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. از دیدگاه مقام معظم رهبری، بازگشت حقیقی به قرآن و اقتدا به سنت رسول الله (ص) و ائمه اطهار (ع)، الهام‌بخش بیداری اسلامی و شرط بنیادین احیای تمدن اسلامی است. چرا که شرایط و مؤلفه‌های تمدن باید از قرآن و سنت الهام بگیرند. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۰/۱۲/۱۳۹۴) به اعتقاد ایشان؛ شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه‌ی مذاهب اسلامی» و نه ایران‌شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه‌ی فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان هم‌چنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع؛ یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌دانند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

**ایمان:** ایمان به خداوند متعال و نگاه توحیدی از مهمترین مسائلی است که در قرآن کریم مطرح شده: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو

الْأَلْبَابِ» (ابراهیم، ۵۲) و مهم‌ترین شاخصی تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب می‌باشد. نقطه اصلی در تمدن اسلامی ایمان به خداوند و توحید ناب است که باید با توجه به آن به تعیین اهداف خود پردازیم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲، ۲۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۱، ۷۸). ایشان معتقدند که بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳) پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده همه این‌ها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگِ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند. پس در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

**عقلانیت و خردورزی:** مسأله عقلانیت و خردورزی، یکی از مسائل مورد تأکید در دین مبین اسلام و قرآن می‌باشد که می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی ایفا کند. خداوند متعال در قرآن کریم، سیصد مرتبه انسان را به تعقل و خردورزی دعوت نموده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳، ۵۷) مقام معظم رهبری بر عقلانیت و خردورزی به عنوان یکی از الزامات تمدن نوین اسلامی تأکید بسیاری دارند. از نگاه ایشان؛ یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است؛ این هم قرآنی است. یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است؛ این‌ها شد معیار. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۴/۱۹)

اما معنای عقلانیت چیست؟ «عقلانیت، یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان، حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه‌ی فاضله و امت واحده‌ی اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست». هم‌چنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل

و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

**مجاهدت علمی:** در قرآن کریم، علم و دانش از اهمیت شایانی برخوردار بوده و در آیات بسیاری بر چنین اهمیتی تأکید شده است (قرائتی، ۱۳۸۷، ۶، ۱۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۱۶، ۲۰۸). برای نمونه؛ «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ». (زمر، ۹) «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر، ۲۸). «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُضْرِبِهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ» (عنکبوت، ۴۳). در اندیشه رهبر معظم انقلاب نیز بر اهمیت علم و لزوم مجاهدی علمی جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تأکید بسیاری شده است. به اعتقاد ایشان؛ اسلام نسبت به علم، مهم‌ترین حرکت و مهم‌ترین تحریک و تحریر را داشته است. تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. هنوز دو قرن به‌طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش‌وار اسلامی به وجود آمد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵)

به عبارت دیگر؛ فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهدی علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه، صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹) به اعتقاد ایشان؛ علم پایه‌ی پیشرفت همه جانبه‌ی یک کشور است. علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، می‌تواند به همه‌ی مقاصد خود دست پیدا کند. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴) البته ایشان اهمیت این عرصه را کم‌تر از عرصه‌ی فکر می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند: این عرصه که اهمیّتش کم‌تر از عرصه‌ی اول است محصول فکر می‌باشد. (بیانات رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)

البته باید توجه داشت که، ارزش علم منوط به معنویت است و علم، بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. چراکه؛ علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰)

**توجه به عقل عملی و اخلاق:** اخلاق و مکارم اخلاقی، جزو مهم‌ترین مسائل مطرح در دین مبین اسلام بوده و اهمیت آن تا بدانجاست که پیامبر گرامی اسلام (ص)، هدف رسالت خود را تکمیل مکارم اخلاقی معرفی نموده است. «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتِمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». (مجلسی،



۴۰۳ (ق، ۶۸، ۳۸۲) از انگیزه‌های مهم بعثت انبیا تزکیه نفوس و جان مردم از بیماری‌های روحی است که منشأ همه‌ی بد اخلاقی‌ها است تا بدین سبب مکارم اخلاقی در بین جامعه نمایان شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴، ۶۹). در قرآن می‌خوانیم: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ». (آل عمران، ۱۶۴)

یکی از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، عنصر اخلاق می‌باشد. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴) به اعتقاد ایشان؛ ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزش‌های خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است که سلوک عملی است. (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱)

**مردم سالاری دینی:** یکی دیگر از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، اهمیت جایگاه مردم و تأکید ویژه بر نقش برجسته آنان به عنوان تکیه‌گاه اصلی چنین تمدنی می‌باشد. ایشان ضمن تبیین مبانی بارز مکتب امام خمینی (ره) از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده است، مردم سالاری حقیقی است. دیدگاه مقام معظم رهبری به مقوله‌ی مردم سالاری دینی برآمده از افکار بلند امام (ره) می‌باشد که فرمود: «دموکراسی، غربی‌اش فاسد است و شرقی‌اش هم فاسد است. دموکراسی اسلامی صحیح است». (خمینی، ۱۳۷۸، ۵، ۲۳۸) مقام معظم رهبری نیز در ادامه‌ی مسیر امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «بنده اصرار دارم که به جای تعبیر دموکراسی از تعبیر مردم سالاری دینی و اسلامی استفاده شود. تعبیر دموکراسی یک تعبیر غربی و وارداتی است؛ تعبیری که به صورت دقیق و همه جانبه جز با همان فرهنگ غلط دور از معنویت تطبیق نمی‌کند و

خودشان هم نشان داده‌اند که این فرهنگ و این خواسته عملی هم نیست». (مقام معظم رهبری، بی تا، ۷۷)

مقام معظم رهبری، مردم‌سالاری دینی را نظام سیاسی می‌دانند که در آن حاکمیت به خداوند تعلق دارد و با عقیده و ایمان و عواطف و آرای مردم پیوند خورده است. (مقام معظم رهبری، ۷۹، ۸/۲۸، تفرش) مردم سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست؛ بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره‌ی نظام اسلام است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود. ضمن آن که تحقق حکومت مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست. (همان)

البته باید توجه داشت که مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق بکنیم تا بتوانیم یک مجموعه‌ی کامل داشته باشیم، نه خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. مردم سالاری هم دو سر دارد. یک سر مردم سالاری عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله‌ی اراده و رأی مردم صورت بگیرد، یعنی مردم، نظام را انتخاب می‌کنند. سر دیگر قضیه‌ی مردم‌سالاری این است که حالا بعد از آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آن‌ها وظایف جدی و حقیقی داریم. (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، ۷۹/۲/۲۳)

**عدالت اجتماعی:** در قرآن کریم به بحث عدالت توجه فراوانی شده و از آن به عنوان یکی از اهداف ارسال پیامبران یاد شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ۲۳، ۱۲۴). «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵).

یکی از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، شاخص عدالت اجتماعی می‌باشد. این شاخص در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، از اهمیت وافری برخوردار است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «از همه‌ی این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم، عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰)

اما باید توجه داشت که عدالت، به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰)

**توجه توأمان به دنیا و آخرت:** توجه توأمان به دنیا و آخرت از جمله موارد مورد تأکید قرآن کریم می‌باشد. به اعتقاد مقام معظم رهبری؛ این که کسانی دنیا را اصل بدانند و آخرت را فراموش کنند؛ یعنی همه‌ی تلاش جامعه و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیایی آباد کنند ولی به بُعد معنوی توجهی نشود. از طرفی اقبال به مسائل اخروی و دینی، و بی‌توجهی به مواهب عالم حیات و استعدادهایی که خدای متعال در این عالم قرار داده است؛ و غفلت از دنیا هم یکی از انحراف‌هاست. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت هم در برنامه‌ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره‌ی کشور لازم است. (بیانات رهبری در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۲۷/۰۲/۱۳۸۸)

**تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار:** یکی دیگر از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار می‌باشد. به اعتقاد مقام معظم رهبری؛ ما باید روحیه‌ی ایمان و عنصر ایثار و فداکاری را در درجه‌ی اول در خودمان و سپس در مردم تقویت کنیم... چراکه بخش مهمی از قدرت ملی ما، همین روحیه‌ی ایثار بود که در جنگ به صورت شهادت‌طلبی ظاهر شد. در میدانی هم که امروز در مقابل خود داریم— که یقیناً از میدان جنگ پیچیده‌تر و دشوارتر است— باید نیروی ایثار و فداکاری که همه‌ی معادلات را به هم می‌ریزد، مطرح شود. اگر ما بتوانیم این را در خودمان تقویت کنیم، همه‌ی معادلات قدرت در دنیا به سود ما به هم خواهد ریخت. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵)

**آزاد اندیشی:** در قرآن کریم به بحث آزادی اندیشه اهمیت فراوانی داده شده است. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ». (بقره، ۲۵۶) این آیه، با صراحت و بی‌پرده می‌گوید که در دین، هیچ زور و اجباری نیست و مسیر حق از باطل روشن نموده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲، ۳۰۴؛ قرائتی، ۱۳۸۷، ۱، ۱۹۸).

آزاداندیشی عنصری مهم در شکوفایی اندیشه‌ی دینی و به کارگیری آن در عرصه‌ی تمدن‌سازی است. از منظر مقام معظم رهبری؛ آزاد اندیشی شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: اگر بخواهیم در زمینه‌ی گسترش و توسعه‌ی واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتاً کار کنیم، احتیاج داریم به این که از مواهب خدادادی و در درجه‌ی اول از آزاداندیشی استفاده کنیم. (بیانات رهبری در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۰۸)

آزاد اندیشی این است که شما در حرکت به سمت سرزمین‌های ناشناخته، معارف خودتان را آزاد کنید، بروید، نیروها و انرژی‌هایتان را به کار بیندازید و حرکت کنید. (بیانات رهبری در دیدار

جمعی از اعضای انجمن قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۰۸) به عبارت دیگر؛ آزاداندیشی یعنی؛ آزادانه فکر کردن، آزادانه تصمیم گرفتن، ترجمه‌ای، تقلیدی و بر اثر تلقین دنبال بلندگوهای تبلیغاتی غرب حرکت نکردن. (بیانات رهبری در دیدار جمعی از اعضای تشکّل‌ها و کانون‌ها و نشریات و هیأت‌های مذهبی و شماری از نخبگان دانشجویی، ۱۳۸۲/۰۸/۱۵)

برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علماء و صاحب نظران»، تولید علم و اندیشه‌ی دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. (بیانات رهبری در پاسخ به نامه‌ی جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه‌ی علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۱۶/۱۱/۱۳۸۱)

**خودباوری و پرهیز از تقلید:** یکی دیگر از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری، خودباوری و پرهیز از تقلید می‌باشد. به اعتقاد ایشان؛ ما برای ساختن تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. (بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳/۰۷/۱۳۹۱)

به بیان دیگر، شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول، این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند. ما باید امروز در صدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که این ممکن است. در تبلیغات گذشته‌ی این کشور در خصوص ناتوانی ایرانی و توانایی غربی‌ها آن‌قدر مبالغه شده که امروز اگر کسی بگوید ما کاری کنیم که غربی‌ها به علم ما احتیاج پیدا کنند، می‌بینید که در دل‌ها یک حالت ناباوری به وجود می‌آید: مگر چنین چیزی ممکن است؟ بله؛ من عرض می‌کنم می‌شود. شما همت کنید پنجاه سال دیگر این‌طوری شود. (بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۲۱/۰۹/۱۳۸۰)

**نوگرایی:** یکی دیگر از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، عنصر نوگرایی است. این عنصر در تمدن اسلامی می‌تواند مؤید این معنا باشد که تمدن اسلامی ضمن این‌که به ارزش‌های اصیل و اصول کتاب و سنت پای‌بند است، از تحجر و تعصب نیز به دور است. چنین مفهومی از نوگرایی می‌تواند دقیقاً ملازم دین‌مداری و عقل‌گرایی باشد. از منظر ایشان؛ «تجدد و نوگرایی حقیقی و بازکردن میدان‌های تازه‌ی زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً

اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت تأمل، تعمق، کارِ درست، کارِ فکری، تلاشِ عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه ی میدان‌ها، و همت‌ها را بلند کردن به دست می‌آید». ایشان، نقطه‌ی مقابل چنین توصیفی از نوگرایی را، سلفی‌گری انحرافی و تاجر دانسته، آن را مغایر نگرش تمدنی می‌دانند و این‌گونه بیان می‌کنند که «سلفی‌گری، اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غرب‌زدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تاجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریسم و بی‌دینی خواهد شد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)

**پیشرفت مادی و توسعه اقتصادی:** یکی دیگر از الزامات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، توجه به پیشرفت مادی و توسعه اقتصادی است. ایشان بر اعتلای اقتصادی و پیشرفت مادی به‌عنوان هدف قطعی تمدن اسلامی تأکید بسیاری دارند. البته پیشرفت مطلوب از نظر ایشان، پیشرفتی است که همراه با با عدالت اجتماعی است. «تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می‌خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و هم‌زیستی مهربانانه مردم با یکدیگر، این خصوصیات نظام اسلامی است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰) بنابراین نباید پیشرفت را تنها منحصر در اعتلای معنوی دانست، بلکه؛ «آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰)

**اصلاح سبک زندگی:** از منظر مقام معظم رهبری، یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی، عبارت است از سبک زندگی کردن و رفتار اجتماعی. این یک بُعد مهم است؛ ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، بازپرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسأله، مسأله اساسی و مهمی است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

به اعتقاد ایشان؛ شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی منوط به دو بخش است؛ یکی، بخش ابزاری و دیگری، بخش متنی و اصلی و اساسی است که باید توجه ویژه‌ای به هر دو بخش داشت. «بخش ابزاری، عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) اما «بخش حقیقی آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی

است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسأله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسأله‌ی خط، مسأله‌ی زبان، مسأله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. این‌ها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. می‌شود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد». (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)

وجه تمایز تعریف فرهنگ از دیدگاه اسلام با دیدگاه غیراسلامی در این است که شیوه و سبک زندگی در فرهنگ اسلامی برگرفته از اندیشه‌ی توحیدی یعنی؛ قرآن و نظام عملی اسلام مبتنی بر شریعت، سیره و سنت ائمه‌ی اطهار، می‌باشد. اما در نگاه غیراسلامی؛ فرهنگ و سبک زندگی؛ برگرفته از نظریه‌های اجتماعی و نظام عملی فرد در جامعه؛ یعنی قانون است. با توجه به الگوهای ارائه شده در دین اسلام هرچه فرد از نظر سبک زندگی به سبک زندگی اسلامی و ائمه اطهار و قرآن نزدیک‌تر باشد، فرد موفق‌تری در جامعه محسوب می‌شود و در رعایت تقوی، عدالت، حقوق دیگران، کار و تلاش پیشگام خواهد بود. (پور حسن، ۱۳۹۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی)

بنابراین در دنیای کنونی نیز بر اساس بیانات مقام معظم رهبری باید در نظر داشت زمانی که دستورات دین اسلام به طور کامل در تمامی شئون زندگی انسان جاری گشت، خود می‌تواند ایجاد کننده سبک نوین اسلامی زندگی و در پی آن تمدن نوین اسلامی گردد.

پیوند میان دین و سیاست

موضع رهبری درباره دین و سیاست همان موضع امام خمینی است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. به اعتقاد ایشان؛ از بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر، تفکیک دنیا از آخرت و زندگی مادی از عبادت و دین از سیاست است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

**تفکر:** اسلام دینی است که به تفکر اهمیت فراوانی داده است. اسلام دینی است که آغاز آن با تأکید بر تعقل و اندیشیدن بوده است. در قرآن کریم، آیات فراوانی انسان را به اندیشیدن

فراخوانده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲، ۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۱۹، ۲۰۹). رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «شما ببینید در قرآن چقدر «لقوم یتفکرون»، «لقوم یعقلون»، «أفلا یعقلون»، «أفلا یتدبّرون» داریم». (بیانات رهبری، در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰/۰۹/۱۳۸۹)

رهبر معظم انقلاب، پیشرفت در عرصه‌ی تفکر را مهم دانسته و معتقدند که خط و جهت تلاش‌های علمی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع را اندیشه و تفکر ترسیم می‌کند. همچنان که تحول در علم و پیشرفت در علم داریم، پیشرفت در فکر هم باید پیدا کنیم. (بیانات رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۳۹۱/۰۷/۱۲)

## ۵. نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) با مبنایی الهی و ارزشی توانست تمام معادلات جهانی را برهم زده و با ساختارشکنی و احیای ارزش‌های اصیل اسلامی، پایه‌های تمدنی نوین را طرح ریزی نماید. نتایج و یافته‌های پژوهشی تحقیق حاضر عبات است از:

۱. اساس اندیشه ناب اسلامی که مبتنی بر نگاه خداپاورانه و توحیدی است و با نگاه ارزشی و کریمانه به انسان و با هدف رساندن انسان‌ها به سعادت حقیقی بسیاری از ساختارهای اجتماعی و سیاسی موجود در دنیای معاصر را فروریخت و نشان داد.

۲. با تکیه بر معنویت و معیارهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی دینی متعالی و جهان شمول نظیر اسلام، و نگاهی انقلابی و نوین به آن و وارد کردن آن به تمام عرصه‌های زندگی بشری، می‌توان تمدنی را پدید آورد که انسان‌ها را به سوی هدف اصلی خلقتشان رهسپار نماید.

۳. مقام معظم رهبری با نگرشی اسلامی توانست به همان زیست مطلوب و مبتنی بر صلح و عدالتی که بسیاری از اندیشمندان غربی رسیدن به آن را غیرممکن می‌دانستند و با طرح مدینه فاضله و آرمان‌شهر در فضایی غیر واقعی و آرمانی به دنبال آن بودند، جامه عمل بپوشاند.

۴. مقام معظم رهبری نیز با طرح ایده تمدن نوین اسلامی، راهی را که امام خمینی (ره) شروع کرده بود ادامه داده و پایه‌های مسیر امام (ره) را مستحکم‌تر نموده و جامعه‌ای آرمانی را بنا نموده، تا زمینه برای ظهور منجی عالم بشریت حضرت حجت (عج) فراهم شود.

ان شالله

## منابع

## \* قرآن کریم

۱. بیل، جیمز، ۱۳۶۸، جنگ، انقلاب و روحیه؛ با قدرت ایران در جنگ خلیج فارس؛ بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، تهران
۲. پور حسن، علی، ۱۳۹۱، الگوی سبک زندگی اسلامی و ضرورت‌های جامعه ایرانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
۳. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۷، "امام، قدرت و گفتمان"، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، تهران
۴. جان احمدی، فاطمه، ۱۳۸۸، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، انتشارات نشر معارف، تهران
۵. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۳، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
۶. -----، ۱۳۷۳، عدالت و کرامت انسانی، جام، تهران
۷. حاجتی، احمدرضا، ۱۳۸۱، عصر امام خمینی (ره)، بوستان کتاب، قم
۸. حسینی خامنه ای، سید علی، ۱۳۹۱، سبک زندگی: بخش اساسی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.
۹. -----، بی تا، حدیث شکوفایی، تهران، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.
۱۰. -----، ۱۳۹۱، بیست پرسش رهبری درباره سبک زندگی، روزنامه جام جم، سال سیزدهم، شماره ۳۵۳۳، مهرماه.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، بیدارگران اقالیم قبله، قم، دلیل ما.
۱۲. ساموئل هانتینگتون، تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین، قم
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران
۱۵. طوسی، خواجه نصیرالدین، ۱۳۶۹، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، خوارزمی، تهران
۱۶. عمید، حسن، ۱۳۸۹، فرهنگ فارسی عمید، اشجع، تهران



۱۷. فوکو، میشل، ۱۳۸۹، ایران: روح یک جهان بی‌روح، ترجمه: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی، تهران
۱۸. قرائتی، محسن، ۱۳۸۷، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران
۱۹. کمالی اردکانی، علی اکبر، ۱۳۸۶، نقد سکولاریسم از دیدگاه امام خمینی، مجموعه مقالات بررسی و نقد مبانی سکولاریسم، پژوهشکده مطالعات اجتماعی و دانشگاه امام صادق، تهران.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۲۱. مسجدجامعی، احمد، ۱۳۷۸، "بازگشت به فطرت"، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱۲ و ۱۳
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران
۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۶۹، صحیفه نور، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران
۲۴. -----، ۱۳۷۸، صحیفه نور، مؤسسه نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران
۲۵. -----، ۱۳۷۵، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله(ره)، تهران
۲۶. -----، ۱۳۸۴، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران
۲۷. -----، ۱۳۸۵، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، نشر عروج، تهران
۲۸. -----، ۱۳۶۲، طلب و ارده، ترجمه احمدی فهری، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
۲۹. [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)